



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته روابط بین الملل

عنوان:

تأثیر بنیادگرایی اسلامی در محیط منطقه ای ایران بر امنیت ملی

جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما:

دکتر حسین سلیمی

استاد مشاور:

دکتر سید جلال دهقانی فیروز آبادی

نگارش:

محمد امین آبادی

اردیبهشت ۸۸



چکیده

این رساله در پی پاسخ به این سوال اساسی است که بنیادگرایی اسلامی در محیط منطقه ای ایران چه تاثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد. بنیادگرایی اسلامی در این رساله به دو شاخه تقسیم شد بنیادگرایی سنی وهابی که شاخص های آن القاعده و طالبان هستند اما در مورد بنیادگرایی شیعه استدلال بر این بود که در محیط منطقه ای ایران بنیادگرایی شیعه وجود ندارد. لذا در بخش آخر به تهدیدات امنیتی بنیادگرایی سنی وهابی پرداخته شد. این نوع بنیادگرایی سه نوع خطر متوجه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می کند ۱- تهدید ثبات حکومت بدین معنی که اشغال افغانستان و عراق به خاطر مبارزه با بنیادگرایی اسلامی و قطع ارتباط بین بنیادگراها و تروریست ها از سوی آمریکا انجام پذیرفت و محاصره سرزمینی ایران از سوی آمریکا تکمیل شد و به خاطر امنیتی کردن جمهوری اسلامی ایران از سوی آمریکا بارها ایران متهم به همکاری و پناه دادن به اعضا و سران گروه های بنیادگرا شد. تهدید دوم تهدید هویتی است تکفیر گرایی بنیادگرایی سنی وهابی نسبت به شیعیان و تشکیل گروه هایی مثل جندنا... به تقلید از طالبان و القاعده و با حمایت آنها و دست زدن به اقدامات تروریستی در داخل کشور تهدیدی اساسی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود. تهدید سوم تهدید مواد مخدر است به دلیل توجیهات شرعی که برای تولید و قاچاق مواد مخدر در بین بنیادگرایان سنی وهابی وجود دارد رابطه مستقیمی بین این نوع بنیادگرایی با تولید و قاچاق مواد مخدر در محیط منطقه ای ایران وجود دارد. همین رابطه نیز بین امنیت ملی ایران و تولید و قاچاق مواد مخدر وجود دارد.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۱
بخش اول: بررسی های نظری.....	۲۷
فصل اول: مکتب کپنهاگ.....	۲۸
سابقه مطالعات امنیت ملی.....	۲۸
امنیت ملی در مکتب کپنهاگ (مقدمه).....	۳۱
شاخص های امنیت در مکتب کپنهاگ.....	۳۲
امنیتی کردن و غیر امنیتی کردن.....	۳۴
محیط امنیتی دولت.....	۳۷
امنیت ملی و ماهیت دولت.....	۳۸
ابعاد امنیت ملی.....	۴۲
امنیت نظامی.....	۴۲
امنیت سیاسی.....	۴۷

۵۴	امنیت اجتماعی
۵۷	سطح تحلیل امنیت
۶۲	نتیجه گیری
۶۶	منابع
۶۸	فصل دوم: چیستی بنیادگرایی اسلامی
۶۸	تاریخچه بنیادگرایی اسلامی
۷۲	تعریف بنیادگرایی اسلامی
۷۴	مقایسه بنیادگرایی اسلامی با بنیادگرایی مسیحی
۷۷	علل ظهور بنیادگرایی اسلامی
۷۷	۱- علل خارجی
۸۴	۲- علل داخلی
۸۹	ویژگی های بنیادگرایی اسلامی
۹۱	تقسیم بندی بنیادگرایی اسلامی

۹۲ ۱-بنیادگرایان سنتی
۹۴ الف)اصلاح طلبان
۹۵ ب)اسلام گرایان انقلابی
۹۷ ۲- بنیادگرایی جدید
۱۰۰ منابع
۱۰۴ فصل سوم:چیستی بنیادگرایی جدید
۱۰۴ تعریف اولیور رُی از نو بنیادگرایی اسلامی
۱۰۸ مباحث هستی شناسی بنیادگرایی اسلامی جدید
۱۱۸ معرفت شناسی و روش شناسی بنیادگرایی اسلامی جدید
۱۲۲ منابع
۱۲۵ بخش دوم: بنیادگرایی اسلامی
۱۲۶ فصل اول: بنیادگرایی سنی وهابی
۱۲۶ مقدمه

- ۱۲۸..... پدران معنوی بنیادگرایی سنی وهابی
- ۱۲۸..... ۱. احمد بن حنبل
- ۱۲۹..... ۲. ابن تیمیه
- ۱۳۰..... ۳. محمد بن عبدالوهاب
- ۱۳۲..... شیعیه ستیزی بنیادگرایی وهابی
- ۱۳۵..... وهابیت در جهان امروز
- ۱۳۶..... شاخص های بنیادگرایی وهابی
- ۱۳۶..... گفتار اول: طالبان
- ۱۳۸..... عوامل داخلی ظهور و رشد طالبان
- ۱۴۲..... عوامل خارجی ظهور و رشد طالبان
- ۱۴۶..... اصول فکری طالبان
- ۱۵۳..... طالبان و مواد مخدر
- ۱۶۳..... گفتار دوم: القاعده

نظریات مختلف در مورد علل ظهور القاعدة	۱۶۴
۱- برخورد تمدن ها	۱۶۴
۲- القاعدة به عنوان پدیده ای مدرن	۱۶۶
۳- تروریسم مذهبی	۱۶۹
نقش عوامل عینی در شکل گیری القاعدة	۱۷۱
شاخص های عمل کردی و اهداف سازمان القاعدة	۱۷۷
منابع	۱۸۷
فصل دوم : بنیادگرایی شیعه	۱۹۳
ماهیت بنیادگرایی شیعه	۱۹۴
بنیادگرایی شیعه در خاورمیانه	۱۹۷
بنیادگرایی شیعه در محیط منطقه ای ایران	۱۹۹
حزب الدعوه	۲۰۰
مجلس اعلا	۲۰۲

۲۰۳	جیش المهدی
۲۰۶	اهداف جیش المهدی
۲۱۰	مقتدی صدر و ایران
۲۱۲	منابع
۲۱۳	بخش سوم: امنیت ملی
۲۱۴	فصل اول: گفتمان های امنیت ملی
۲۱۴	گفتمان اول ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۶
۲۲۳	گفتمان دوم ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴
۲۲۷	گفتمان سوم ۱۳۸۴ تا کنون
۲۲۸	مؤلفه های امنیت ملی
۲۲۸	۱ سطح ملی
۲۲۹	۲ سطح منطقه ای
۲۲۹	۳ سطح بین المللی

منابع..... ۲۳۱

فصل دوم: تهدیدات بنیادگرایی اسلامی بر امنیت ملی ایران ۲۳۳

گفتار اول: تهدید ثبات حکومت ۲۳۳

گفتار دوم: تهدید ارزش های اساسی حکومت ۲۵۰

گفتار سوم: تهدید مواد مخدر ۲۶۱

منابع..... ۲۷۷

نتیجه گیری ۲۸۱

کتاب نامه..... ۲۸۴

مقدمه

طرح موضوع و اهمیت آن

منطقه خاورمیانه در طول دوران جنگ سرد یکی از مناطق استراتژیک در روابط مابین دو ابرقدرت بود. بعد از جنگ سرد نیز این منطقه، با مسائل و مشکلات خاص خودش در کانون توجهات جهانی بوده است. منازعه بین اعراب و اسرائیل و مسئله فلسطین، حمله عراق به کویت و به دنبال آن حضور ائتلاف بین المللی به رهبری آمریکا در این منطقه، حملات یازده سپتامبر و اعلام اینکه ۱۹ نفر از ۲۴ نفر شرکت کننده در این حملات از اتباع کشورهای خاورمیانه بوده اند. و در نهایت حمله آمریکا به افغانستان و سرنگونی حکومت طالبان و حمله به عراق و سرنگونی حکومت صدام شرایط خاصی را به این منطقه بخشیده است.

با این اوصاف هر بحران و مسئله ای در منطقه خاورمیانه هم خود کشورهای زیر سیستم را از خود متأثر می سازد و هم سیستم بین المللی را وادار به واکنش می کند. بنیادگرایی اسلامی و به تبع آن گروه هایی که تحت این عنوان شناخته می شوند و در منطقه فعال هستند، نیز از جمله این مسائل می باشند. بنیادگرایی اسلامی نهضتی برخاسته از درون جوامع اسلامی و پاسخی دینی به بحران ها و آشفتگی های اجتماعی و سیاسی جوامع مسلمان می باشد، اما آن چه که در این میان مهم است نوع برداشت آنها از اسلام و استراتژی ها و تاکتیک هایی است که در صحنه عمل برای رسیدن به اهداف خود دنبال می کنند .

با نگاهی به گروه القاعده که از شاخص های اصلی بنیادگرایی اسلامی در منطقه خاورمیانه می- باشد بهتر می توان به اهمیت این موضوع در عرصه عمل سیاسی پی برد. جنبش القاعده معتقد است هر کشوری که مسلمان نیست کافر است، سیستم مسلط اجتماعی و سیاسی امروز بر جهان اسلام و غیراسلامی شرک آلود است و مبتنی است بر گناه کاری و بی عدالتی، و بر مسلمانان است که از طریق جهاد با این مظاهر کفر و شرک مقابله بکنند. آمریکا بزرگترین مانع بر سر تشکیل

حکومت اسلامی است و باید از بین برود؛ رژیم های کفرآمیز و دنباله رو آمریکا در منطقه خاورمیانه نیز باید سرنگون شوند. ۱. اسلامی که القاعده و نیز طالبان آن را معرفی می کند هیچ جایگاهی برای مذهب شیعه و پیروان آن قائل نیست و از نظر آنها هیچ فرقی بین فردی شیعه و یک مشرک وجود ندارد. ۲.

لذا در صحنه عمل به موازات مبارزه و جهاد مقدس با آمریکا و غرب و رژیم های موجود باید با چنین مذاهب کفرآمیز هم مبارزه شود. با نگاهی به این مبانی که گروه القاعده و نیز طالبان و کم و بیش سایر گروه های بنیادگرا در منطقه خاورمیانه به این اصول معتقدند، و بر مبنای آن عمل می کنند، متوجه می شویم این گروه ها هم نظم موجود در زیر سیستم خاورمیانه را به چالش می کشند با داعیه براندازی حکومت های فاسد و وابسته موجود از طریق ابزارهای خشونت آمیز مثل جهاد، ترور، عملیات انتحاری و هم به دنبال به چالش کشیدن نظم موجود در سیستم بین المللی و به ویژه هژمونی ایالت متحده آمریکا هستند. با این اوصاف اقدامات این گروه ها تاثیر مستقیم در کشورهای منطقه دارد که جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از این کشورهاست.

تبیین نقش و علت انتخاب موضوع

با وقوع انقلاب اسلامی ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران عده ای از پژوهشگران روابط - بین الملل و خاورمیانه شناسان، نظام جمهوری اسلامی را مترادف با یک دولت و رژیم بنیادگرا قرار دادند. انگیزه ما از نوشتن این رساله علاقه ای بود که شخص نویسنده به تبیین رابطه بین بنیادگرایی اسلامی و امنیت ملی دارد، و نیز با تعریف دقیق و شاخص بندی بنیادگرایی اسلامی سعی در نشان دادن این مطلب می باشد که بنیادگرایی اسلامی با شاخصه هایی که دارد نه تنها منطبق با دولت جمهوری اسلامی ایران نیست، بلکه دولت ایران خود در معرض خطر بنیادگرایی - اسلامی می باشد. در این رساله با بررسی بنیادگرایی اسلامی در دو مذهب اصلی دین مبین اسلام

یعنی تسنن و تشیع نشان خواهیم داد که اطلاق یک تحلیل واحد برای جنبش های موجود در دو مذهب فوق واقعاً اشتباه است و محقق را به نتایج اشتباهی می رساند.

گروه های بنیادگرا با تفسیری که از اسلام دارند که در آن جایی برای اسلام شیعی وجود ندارد، تعهدی که به استفاده از ابزار های خشونت آمیز دارند، برای سرنگونی رژیم های فاسد منطقه، مبارزه با آمریکا و غرب و نیز مبارزه با جلوه های انحرافی اسلام، خطری جدی برای امنیت و ثبات جمهوری اسلامی ایران با هویت شیعی محسوب می شوند.

وقوع دو جنگ در مرزهای غربی و شرقی ایران (افغانستان و عراق) و تداوم و تشدید ناآرامی ها در این دو کشور و نیز پاکستان که یکی از علل اصلی آن فعالیت گروه هایی است که تحت عنوان گروه های رادیکال و تندرو یا بنیادگرای اسلامی شناخته می شود. به خودی خود می تواند اهمیت موضوع را مشخص سازد. در افغانستان گروه طالبان توانسته است به سازمان دهی مجدد خود بپردازد و بخش هایی از افغانستان را تحت سیطره خود درآورد، به طوری که پیمان ناتو قادر به حذف این گروه نیست. در پاکستان که یکی از کانون های اصلی فعالیت و آموزش گروه های بنیادگرا است ما شاهد اعلام موجودیت جنبشی به نام طالبان پاکستان هستیم و عملاً بخش هایی از کشور تحت کنترل گروه های بنیادگراست. حتی دامنه اقدامات بنیادگرایان در تابستان ۲۰۰۷ به اسلام آباد پایتخت پاکستان نیز رسید. حوادث مسجد لعل گویای این مدعا است، که در آن یک گروه بنیادگرای اسلامی در داخل یک مسجد به زعم خود و به جای دولت پاکستان به اجرای خشونت آمیز احکام الهی و مجازات گناهکاران می پرداختند. در سال ۲۰۰۹ میلادی آصف علی زرداری رئیس جمهوری پاکستان در یک مصاحبه با شبکه تلویزیونی سی بی اس مدعی می شود طالبان هم اینک در بیش از دو سوم خاک پاکستان حضوری فعال دارد وی رسماً اعلام می کند جریان طالبان آن چنان بازسازی و احیاء شده است که در تدارک اداره کشور است. ۳ در عراق گروه القاعده به شدت فعال است. ترور، بمب گذاری و عملیات انتحاری توسط این جنبش و نیز گروه-

های دیگر وابسته به آن بر ضد دولت عراق، نیروهای غربی و کسانی از مردم عراق که با غربی ها همکاری می کنند و نیز بر ضد شیعیان وضعیت بی ثباتی را در کشور حاکم کرده است.

توجه به این نکته که هر سه کشور همسایگان ایران هستند و مرزهای طولانی با ایران دارند و نیز جهت گیری ضد شیعی بنیادگرایی موجود در محیط منطقه ای ایران، اهمیت این موضوع را دو چندان می کند.

حضور ایالات متحده آمریکا در محیط منطقه ای ایران و ایجاد پایگاه های دائمی در نزدیکی مرزهای ایران به بهانه مبارزه با گروه های بنیادگرایی مثل القاعده و طالبان و متهم شدن ایران به همکاری با این گروه ها ، با توجه به مناسبات خصمانه دو کشور و تعریف تهدید آمیز در ذهنیت رهبران ایران و آمریکا نسبت به هم، اهمیت مضاعفی را به موضوع می دهد.

تلاش برای حفظ و گسترش و بالا بردن ضریب امنیت ملی یکی از دغدغه های اصلی دولت های ملی می باشد و چون بنیادگرایی اسلامی، محیط منطقه ای ایران را از خود متاثر ساخته است؛ لذا این موضوع می تواند به طریق اولی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تاثیر قرار دهد. در همین راستا تلاش برای تبیین رابطه بین بنیادگرایی اسلامی و امنیت ملی ایران می تواند ارزش کاربردی برای دولت ایران و نیز ارزش علمی برای مراکز پژوهشی و تحقیقاتی کشور داشته باشد.

سوال اصلی:

بنیادگرایی اسلامی در محیط منطقه ای ایران، چه تاثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

سوالات فرعی:

۱- بنیادگرایی وهابی در محیط منطقه ای ایران چه تاثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

۲- بنیادگرایی شیعی در محیط منطقه ای ایران چه تاثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

فرضیه اصلی:

بنیادگرایی اسلامی در محیط منطقه ای ایران تهدیدی بر علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب میشود.

فرضیه های فرعی:

۱- بنیادگرایی وهابی در محیط منطقه ای ایران تهدیدی بر علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود.

۲- در محیط منطقه ای ایران بنیادگرایی شیعی وجود ندارد تا تاثیری بر امنیت ملی ایران داشته باشد.

تعریف عملیاتی مفاهیم

بنیادگرایی اسلامی:

بنیادگرایی اسلامی نهضتی است که به ارزش های اولیه اسلامی معتقد است و سعادت کشورهای اسلامی را در بازگشت به آن ارزش ها می داند. این نهضت که به صورت عکس العمل احساسی، معنوی، روحی و سیاسی مسلمانان به یک بحران اجتماعی اقتصادی و سیاسی جلوه گر شده است در دهه های اخیر به عکس العمل نظامی نیز کشیده شده است؛ به عبارت دیگر بنیادگرایی اسلامی اندیشیدن و رفتار کردن بر بنیان اندیشه ها و ادوار گذشته است که عمدتاً ریشه در باورهای مذهبی دارد و در نهایت در صحنه عمل سیاسی ظهور و بروز پیدا میکند. ۴

در محیط منطقه ای ایران، دو نوع بنیادگرایی اسلامی قابل شناسائی است. ۱- بنیادگرایی وهابی که شاخصه های اصلی آن القاعده و طالبان هستند ۲- بنیادگرایی شیعی که شاخصه اصلی آن جیش المهدی به سرکردگی مقتدی صدر می باشد.

در یک بررسی اجمالی در پیشینه ، عملکرد و ایدئولوژی این گروه ها متوجه می شویم که این ها در سه ویژگی با هم مشترک هستند : ۱- بازگشت به اصول اولیه اسلام و پایبندی شدید به آن و بازیابی هویت گذشته به عنوان دوران طلایی اسلام و مبارزه با جلوه های انحرافی اسلام ۲- مبارزه با غرب به ویژه با آمریکا و رژیم های وابسته به آمریکا به عنوان عوامل بدبختی جوامع اسلامی ۳- استفاده از ابزارهای خشونت آمیز برای رسیدن به اهداف که شامل ترور، عملیات انتحاری، بمب گذاری و... می شود با تمرکز روی این سه ویژگی به تبیین این مسئله خواهیم پرداخت که چگونه این سه مشخصه اصلی می توانند به عنوان تهدیدی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عمل بکنند. هر چند باید پذیرفت بنیادگرایی سنی وهابی در اساس و مبنا با بنیادگرایی شیعه متفاوت است و ما در فصل مربوط به بنیادگرایی شیعه به طور مفصل در این مورد بحث خواهیم کرد.

محیط منطقه ای

مناطق در سیاست بین الملل به سه طریق مورد مطالعه قرار می گیرند؛ در دیدگاه اول کشورها در هر سطحی که کنار یک دیگر قرار بگیرند(اعم از جهانی و منطقه ای) رفتارهای مشخص و معینی بروز خواهند داد، منطقه یک اصطلاح است و گر نه متضمن هیچ گونه معنا و مفهوم تحلیلی نیست؛ رهیافت دوم هر منطقه را به صورت منحصر به فرد در نظر می گیرد در این دیدگاه مثلاً خاورمیانه شبیه هیچ منطقه دیگری نیست و باید به صورت منحصر به فرد مورد بررسی قرار گیرد. سومین رویکرد حد وسط دو رهیافت قبلی است بر اساس این رویکرد ، مناطق بر رفتار کشورها تاثیر می گذارند و از مناسبات بین المللی و قدرت های بزرگ فرامنطقه ای که از لحاظ جغرافیائی جزو

منطقه نیستند، نیز تاثیر می پذیرند. قرابت جغرافیائی یک شرط لازم برای عضویت یک کشور در یک منطقه نیست مجموعه های امنیتی منطقه ای موجود اغلب دارای یک یا چند عضو مهم ، نوعاً از میان قدرت های بزرگ هستند. با این استدلال ایالات متحده آمریکا نیز جزو محیط منطقه ای امنیتی ایران محسوب می شود، اگر چه آشکارا از نظر جغرافیائی جزو منطقه نیست. ۵.

کانتوری و اشیگل منطقه را این چنین تعریف می کنند: «منطقه دو یا چند کشور هم جوار از لحاظ جغرافیائی و تعامل گر با یکدیگر است که پیوند های مشترک قومی، زبانی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی با یکدیگر دارند.» ۶

در این رساله ما محیط منطقه ای را با کشورهای همسایه ایران مترادف گرفته ایم و از بین کشورهای همسایگی ایران هستند به طور مشخص سه کشور افغانستان، پاکستان و عراق مد نظر می باشند. این گزینش به خاطر فعالیت های گسترده گروه های موسوم به بنیادگرا در این کشورها است. در تحلیل تاثیرگذاری امنیتی بنیادگرایی اسلامی بر امنیت ملی ایران نیز سطح تحلیل تلفیقی سوم مدنظر خواهد بود. سطح تحلیل فوق را مورگان در کتاب نظم های منطقه ای خود آورده است هرچند خود او اذعان می کند که این ایده را از بری بوزان گرفته است.

امنیت ملی

این مفهوم به دنبال تولد دولت ملت به وجود آمد. امنیت ملی مفهومی سیال است و تعریفی ساده از معنایش سخت می باشد. سازمان ملل متحد امنیت ملی را این گونه تعریف می کند: « این که کشورها هیچ گونه احساس خطر حمله نظامی، فشار سیاسی یا اقتصادی نکرده و بتواند آزادانه گسترش و توسعه خود را تعقیب بکنند.» ۷

کالج دفاع ملی کانادا امنیت ملی را این گونه تعریف می کند: «امنیت ملی یعنی حفظ راه و روش زندگی قابل پذیرش برای همه مردم و مطابق با نیازها و آرزوهای مشروع شهروندان، این امر شامل

رهایی از حمله یا فشار نظامی، براندازی داخلی و نابودی ارزش های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که برای کیفیت زندگی ضروری هستند.»^۸

امنیت ملی از منظر بری بوزان عبارت است از «حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان مردم، بقا و ادامه سازمان اجتماعی و حاکمیت کشور، حفظ و ارتقای منابع حیاتی کشور نبود تهدید از خارج نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور»^۹

تهدیدات امنیت ملی

هر گونه احساس خطری که از سوی دولت ملی علیه مولفه های امنیت ملی (سیاسی، نظامی، اقتصادی و هویتی) خود درک بکند، تهدید محسوب میشود.

تهدید یک مفهوم کاملاً انتزاعی است و نمی توان مشخص کرد که چه موقع امنیت ملی یک کشور و به چه اندازه مورد تهدید واقع می شود. تهدیدات بسیار متفاوت هستند و هرکشوری با توجه به نگاهی که به امنیت ملی خود دارد، تهدیدات را هم از همان زاویه می نگرد، چون امنیت ملی مفهومی چند بعدی است، تهدیدات امنیت ملی هم ابعاد مختلفی به خود می گیرد . تا کنون تقسیم بندی های گوناگونی درباره ماهیت تهدیدات امنیت ملی مطرح شده است، تنوع تقسیم بندی ها بیشتر به واسطه تفاوت حوزه های مطالعاتی محققین امنیت پژوه است . بر پایه تحلیل های مربوط به دولت بری بوزان تهدیدات امنیت ملی را به پنج بخش تقسیم میکند (نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) و معتقد است بررسی ماهیت تهدید ها در هر کدام از این جنبه ها برای درک کلی دستور کار امنیت ملی مفید است .^{۱۰}

تهدیدات امنیت ملی که از جانب گروه های بنیاد گرا متوجه امنیت ملی ایران هستند نیز منطبق با تقسیم بندی بوزان است.

از جمله تهدیدهایی که از جانب گروه های بنیادگرا متوجه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می باشد اول، تهدید ثبات حکومت در ایران به دلیل حضور نظامی نیروهای غربی و بالاخص آمریکا در منطقه خاورمیانه و در مناطق هم جوار ایران برای مبارزه با گروه های بنیاد گرا و متهم شدن دولت ایران به حمایت از این گروه ها، دوم: تهدید امنیت اجتماعی به دلیل اینکه منبع درآمد اصلی گروه های بنیادگرا در محیط منطقه ای ایران از طریق فروش و ترانزیت مواد مخدر تامین می شود. و توجیهات شرعی برای تولید و قاچاق مواد مخدر نیز ارائه می دهند. ترانزیت و مصرف این مواد در داخل کشور به عنوان یک بازار مصرف بزرگ به شدت امنیت اجتماعی شهروندان ایرانی را تهدید میکند. تهدید سوم که در این رساله به عنوان شاخص های تهدید امنیت ملی به آن خواهیم پرداخت تهدید ارزش های اساسی حکومت ایران می باشد. گسترش افکار رادیکال بنیادگرایی سنی در جوار ایران و در کشورهای افغانستان و پاکستان و احتمال قدرت گرفتن این نوع از بنیادگرایی در این کشورها و امکان سرایت آن به داخل کشور با توجه به سنی نشین بودن استان های مرزی و فقر و محرومیتی که در این مناطق وجود دارد، امکان سرایت آن را به این مناطق فراهم کرده است، گروه هایی مثل گروه جندا... به تقلید و با حمایت طالبان دست به اقدامات تروریستی برضد ایران شیعی به عنوان یک دولت غیر شرعی و نامشروع می زند. این سه تهدید را در این رساله مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

روش تحقیق :

روش انجام رساله حاضر تبیینی خواهد بود و نحوه تاثیرگذاری متغیر بنیادگرایی اسلامی با شاخص های که برای آن ذکر گردید و با آن سه مشخصه اصلی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی- ایران تبیین خواهد شد. روش جمع آوری منابع نیز به صورت کتابخانه ای و استفاده از منابع اینترنتی است

بررسی آثار و متون پژوهش :

گسترده‌گی منابع در دو حوزه بنیادگرایی و امنیت ملی کار گزینش منابع اصلی و مرجع را در این خصوص مشکل می‌کند. آثار علمی موجود در زمینه امنیت ملی ایران را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱. آثار دسته اول به تاثیر حوادث منطقه ای بر امنیت ملی ایران اشاره دارند؛ حمله آمریکا به افغانستان و عراق و اشغال دو کشور مذکور، جنگ اول خلیج فارس، نزدیکی روابط ترکیه و اسرائیل، قدرت گرفتن طالبان و القاعده و... و تاثیر این حوادث روی امنیت ملی ایران، در این منابع سعی شده است با استفاده از رویکرد منطقه ای به بررسی تاثیرات این حوادث بر امنیت ملی ایران پرداخته شود و بیشتر بعد نظامی امنیت ملی مد نظر محققین بوده است.

پیامدهای حضور نظامی آمریکا در عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، احسان رازانی ۱۳۸۴. ظهور پدیده طالبان در افغانستان و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، داوود زندی ۱۳۸۲. تحولات آسیای مرکزی و قفقاز و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی، رسول موسوی، راهبرد دفاعی ۱۳۸۴. آزمایش های هسته ای هند و پاکستان و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران ، فصلنامه مطالعات راهبردی.

۲. آثار دسته دوم تاثیر رویداد های جهانی بر امنیت ملی ایران، فروپاشی اتحاد شوروی، پروسه جهانی شدن و حوادث یازده سپتامبر رویدادهایی هستند که از منظر جهانی و کلان امنیت ملی ایران را تحت تاثیر قرار داده اند.

جهانی شدن و امنیت ملی ایران، هرمیداس باوند ،امنیت ،۱۳۸۰. جهانی شدن و چالش های امنیت ملی ایران ، حسین قریب ،اطلاعات سیاسی و اقتصادی ،۱۳۸۰. روندهای نظام بین الملل و امنیت ملی ایران ،نبی سنبلی ،۱۳۸۲. تاثیرات ساختار هژمونیک سیستم بین الملل بر امنیت ملی ایران ، فرهاد قاسمی ،امنیت ملی ،۱۳۷۹.